

## چالش‌های تعیین صلاحیت قضایی و قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیکی بین‌المللی

ابراهیم نوشادی\*

محمود باقری\*\*

### چکیده

استفاده از فناوری اطلاعات برای امر تجارت منجر به چالش در قواعد تعیین صلاحیت قضایی و قانون حاکم شده است. زیرا این قواعد با پیش‌فرض مکان و مرز و بر مبنای اصل تقرب فیزیکی وضع گردیده‌اند در حالی که در فضای مجازی مکان وجود ندارد. این عنصر لامکانی فضای مجازی سبب شده قواعد حقوقی سنتی صلاحیت که ابتدای اصلی آن بر مکان بوده در انطباق با فضای مجازی با چالش مواجه شود و این پرسش مطرح گردد که آیا می‌توان اعمال حقوقی فضای مجازی را به وسیله قواعد حقوقی سنتی صلاحیت تنظیم کرد. برای پاسخ به این پرسش باید قوانین حاکم بر تعیین صلاحیت و قانون حاکم را از حیث مبنا تفکیک و سپس مبانی قواعد تعیین صلاحیت (عامل ذهنی - عامل عینی) در انطباق بر فضای مجازی مورد ارزیابی کارکردی قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** فضای مجازی، قرارداد الکترونیک، قانون حاکم، صلاحیت قضایی، عامل ارتباطی.

Enoshadi@gmail.com

Mahbagheri @ ut.ac.ir

\* عضو هیأت علمی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)

\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۷/۱۷

## مقدمه

تعیین صلاحیت قضایی و قانون حاکم بر اعمال حقوقی در فضای مجازی اهمیت اساسی دارد، زیرا متصدیان تجارت برای ارزیابی استراتژی تجاری خود نیاز به وضوح حقوقی جهت تشخیص قواعد مادی حاکم بر قرارداد الکترونیکی فرامرزی منعقد دارند، چون نامشخص بودن موقعیت حقوقی در معاملات بین‌المللی منجر به مسئولیت‌های بالقوه می‌گردد و به عنوان یک عامل بازدارنده مانع از دخالت افراد در تجارت الکترونیک می‌شود.

بنابراین افراد برای ورود به تجارت الکترونیک نیاز به یک محیط حقوقی دارند که در آن با اطمینان خاطر مبادرت به انعقاد قرارداد الکترونیک نمایند. اطمینان نیز از طریق آگاهی از حقوق و تکالیف خود در هنگام عقد قرارداد الکترونیک حاصل می‌شود، لازمه آگاهی از این حق و تکلیف نیز قابلیت پیش‌بینی قانون حاکم بر قرارداد منعقد است، بنابراین شرط اساسی ورود افراد به تجارت الکترونیک اطلاع از حقوق و تکالیف ناشی از قانون حاکم بر قرارداد منعقد است. بدون این آگاهی، افراد بندرت مبادرت به انعقاد قرارداد الکترونیکی فرامرزی خواهند کرد و تجارت الکترونیک در بازارهای جهانی تضعیف خواهد شد.

در سطح داخلی، جهانی و منطقه‌ای برای ایجاد شفافیت حقوقی در این خصوص گام‌های متعددی برداشته شده،<sup>۱</sup> ولی هنوز این حوزه با ابهامات متعددی روبرو است، زیرا برداشت‌های متعدد از ماهیت فضای مجازی، منجر به پیشنهاد نظام‌های حقوقی متعددی برای اعمال در فضای مجازی شده است. به گونه‌ای که برخی آن را صرفاً یک وسیله ارتباطی و بی‌نیاز از وضع قواعد جداگانه و برخی دیگر آن را فضای مستقل و خارج از حاکمیت تقنینی و اجرایی دولت‌ها می‌دانند.<sup>۲</sup> علاوه بر این رویه قضایی زیادی در خصوص دعاوی مرتبط با معاملات الکترونیکی در ایالات متحده وجود دارد. اصول و قواعد تعارض قوانینی که در این پرونده‌ها به وسیله قضات

۱. رک: کنوانسیون استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی، ۲۰۰۵، کنوانسیون موافقت‌نامه انتخاب دادگاه ۲۰۰۵، قانون تجارت الکترونیکی ایران، ۱۳۸۲، دستورالعمل تجارت الکترونیکی اتحادیه اروپا ۱۹۹۹، دستورالعمل امضاء الکترونیکی اتحادیه اروپا ۲۰۰۰ - یوتا (قانون متحدالشکل معاملات الکترونیکی ایالات متحده آمریکا)، ۱۹۹۹.

۲. برای مشاهده این دیدگاه‌ها که در قالب چند دسته کلی: استقلال فضای مجازی از حاکمیت کشورها، اعمال قوانین موجود بر فضای مجازی، ضرورت وضع نظام حقوقی جداگانه برای فضای مجازی، استفاده تلفیقی از قواعد حقوقی و فناوری برای تنظیم فضای مجازی قابل دسته‌بندی است؛ رک: باقری، محمود؛ نوشادی، ابراهیم، «چالش‌های صلاحیتی اعمال تجاری در فضای مجازی»، فصلنامه برنامه و بودجه، شماره ۱۱۲، بهار ۱۳۹۰.

به کار گرفته شده، روش‌ها و منابع ارزشمندی را برای قانون‌گذاران ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم کرده است. از جمله مهم‌ترین روش‌های تعارض قوانین و صلاحیت در فضای مجازی در ایالات متحده شامل معیار «حداقل تماس»<sup>۱</sup> معیار «میزان فعالیت»<sup>۲</sup> و «روش هدف‌گیری»<sup>۳</sup> است. که در پاسخ به چالش‌های حقوقی ناشی از فناوری اطلاعات مورد عمل قرار گرفته‌اند.

دادگاه‌ها از سال ۱۹۹۶ تاکنون با موضوعات صلاحیتی ناشی از ورود این واسطه الکترونیکی درگیر بوده‌اند. بیشتر دعاوی مطروحه در فضای مجازی مرتبط با نقض علائم تجاری و توهین بوده است و دادگاه‌ها نیز بر اساس قوانین متبوع خود و موضوعات پرونده، نظم عمومی و اعمال قواعد صلاحیتی بر این واسطه جدید آرائی صادر کرده‌اند. دادگاه‌های آمریکا در این خصوص پیشتاز هستند اما دادگاه‌های فرانسه، استرالیا، کانادا نیز با موضوع صلاحیت در فضای مجازی مواجه بوده‌اند.

در پرونده لیکرا علیه شرکت یاهو یک دادگاه فرانسوی به صرف قابل دسترس بودن وبسایت یک خواننده آمریکایی بر آن اعمال صلاحیت کرد،<sup>۴</sup> زیرا معتقد بود فروشنده مانع از شرکت اتباع فرانسه در این حراج نشده است. طبق قانون فرانسه خرید و فروش اشیاء نازی‌ها جرم است. مکان وبسایت در فرانسه نبود و فرانسه را نیز مورد هدف قرار نداده بود بلکه صرفاً مکانی برای اشخاص جهت فروش کالاهایشان بود. دادگاه آمریکا در یک حکم اعلامی عدم صلاحیت دادگاه فرانسه علیه خواننده خارجی را اعلام کرد. در پرونده دوجونز علیه گوتنیک، دادگاه استرالیا بر یک سکنه آمریکا به صرف قابل دسترس بودن مطالب توهین‌آمیز سایت در استرالیا و قابلیت دانلود آن مطالب در محل اقامت خواهان [استرالیا] اعمال صلاحیت کرد<sup>۵</sup> با توجه به اینکه مبنای اعمال صلاحیت این دو دادگاه صرف قابلیت دسترسی به سایت بوده است، پس با اعمال این معیار هر دادگاهی در جهان واجد صلاحیت خواهد بود، دادگاه‌های آمریکا نیز

۱. برای بررسی مفهوم و مبنای وضع این معیارها و نحوه اعمال آنها در فضای مجازی رک:

- فای فنگفی، ونگ، «صلاحیت قضایی در دعاوی ناشی از قراردادهای اینترنتی، بررسی حقوق اتحادیه اروپا و ایالات متحده»، ترجمه عباس کریمی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰ شماره ۱۰۱ بهار ۸۹، ص ۲۵۱.

2. Sliding scale

3. Targeting

4. LICRA v. yahoo! Inc., Interim Court Order of November 20, 2000, online: Chicago-Kent College of law, conflict of Laws, Dean Henry H. Perritt, Jr. <http://www.kentlaw.edu/perritt/conflicts/>. Last visited 2010.

5. Dow Jones & Company Inc v Gutnick [2002]HCA 56 (10 december 2002), online: AusLII [Dow Jones]. mentioned by Dan Jerker B. Svantesson. (2004) "An introduction to jurisdictional issues in cyberspace", pp54-55, available at: http://epublications.bond.edu.au/law\_pubs/265

تصمیماتی بر اساس صرف قابلیت دسترسی به سایت و تفکیک وبسایت فعال از منفعل که به عنوان ضابطه میزان فعالیت و اثر شناخته می‌شود اتخاذ نموده‌اند. در پرونده اینست علیه شرکت اینتراکشن‌ست که راجع به نقض علامت تجاری بود دادگاه بر خواننده‌ای که نه در آمریکا مقیم بود و نه در آنها دارایی داشت و نه در آن کشور تجارت حضوری انجام داده بود اعمال صلاحیت کرد<sup>۱</sup> و مبنای صرف قابل دسترس بودن وبسایت خوانده بود.

اما دادگاه‌های آمریکا در خصوص اعمال صلاحیت به‌ویژه در خصوص نقض علائم تجاری معیارهای پیچیده‌تری را به کار می‌برند، در پرونده تولیدات شرکت زیپو علیه زیپودات کام صلاحیت بر مبنای میزان تعامل واقعی خواننده با کاربران مقیم در حوزه دادگاه احراز شد و اعلام شد که یک وبسایتی که به نحو مداوم مبادرت به معامله الکترونیکی با کاربران مقیم در حوزه دادگاه می‌کند، می‌تواند مشمول صلاحیت دادگاه حوزه قضایی کاربر شود. اما یک وبسایتی که صرفاً یک شماره تلفن برای خرید اعلام کرده یا ارتباط با آن از طریق پست الکترونیکی است، نمی‌تواند به صرف قابل دسترسی بودن صفحه وب آن مشمول صلاحیت قرار گیرد. اکثر دادگاه‌های آمریکا ضابطه «میزان فعالیت» را بر موضوعات صلاحیتی در فضای مجازی اعمال کرده‌اند، ولی برخی دادگاه‌ها با اعمال ضابطه اثر که قبل از پیدایش فضای مجازی توسط دیوان عالی در پرونده کالدر علیه جونز تأسیس شد، از اعمال ضابطه «میزان فعالیت» خودداری کرده‌اند،<sup>۲</sup> در اعمال ضابطه اثر دادگاه‌ها موضوع صلاحیت را از طریق بررسی اثراتی که عمده‌اً به وسیله خواننده مقیم خارج در حوزه قضایی دادگاه ایجاد می‌شود، احراز می‌کنند.<sup>۳</sup> این معیار در پرونده‌های سایبرسل، پاناوینسون برای احراز صلاحیت اعمال شد. در پرونده سایبرسل دادگاه قرار عدم صلاحیت صادر کرد اما در پرونده پاناوینسون دادگاه صلاحیت خود را محرز دانست زیرا خواننده عمده‌اً تلاش کرده بود که تجارت خواهان در حوزه قضایی دادگاه را تحت تأثیر قرار دهد.<sup>۴</sup>

1. Inset Systems Inc. v. Instruction Set Inc., 937 F.Supp.161 (D.Conn. 1996) [Inset]. mentioned by Viktor Ievpak, jurisdictional issue of e-commerce consumer contracts in the case of absence choice of court, short theses central European university, 2007.pp25-26. available at: [www.etd.ceu.hu/2007/ievpak\\_viktor.pdf](http://www.etd.ceu.hu/2007/ievpak_viktor.pdf), last visited 2011
2. Zippo Manufacturing Co. v. Zippo Dot Com, Inc. 952 F.supp 1119 (1997) [Zippo].
3. Panavision Int'l, L.P. v. Toepfen, 141 F.3d 1316, C.A.9 (cal.), 1998 [panavision]
4. Julia Alpert Gladstone, "Determining Jurisdiction in Cyberspace: the 'Zippo' Test of the 'Effects' Test?" Paper Presented to the Informing Science + information Technology Education Joint Conference, Pori, Finland, June 24-27, 2003, available online:

در مواردی که اعمال ضابطه اثر منجر به احراز صلاحیت دادگاه نمی‌شود، ضابطه میزان فعالیت را اعمال می‌کنند و بر این مبنا دادگاه می‌گوید که اگرچه خواننده به صورت فیزیکی در حوزه قضایی مقیم نیست، ولی اثرات ناشی از وبسایت، حضور وی در حوزه قضایی دادگاه را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

در ایالات متحده در مواردی به صرف قابلیت دسترسی به وبسایت، دادگاه صلاحیت خود را احراز کرده بود. اگرچه این احکام در ادامه به نحوی نقض شدند اما هنوز هم صرف دسترسی به وبسایت بر این مبنا که مدیر وبسایت قصد ایجاد آثاری در حوزه صلاحیت دادگاه داشته، می‌تواند مبنای اعمال صلاحیت قرار گیرد.

اتحادیه کانون وکلای دادگستری آمریکا در پروژه صلاحیت در فضای مجازی توصیه کرده که صرف وجود پایگاه داده مبنای اعمال صلاحیت قرار نگیرد، اما کشورها اعم از حقوق نوشته و کامن‌لا به طور فزاینده‌ای از ضابطه اثر به عنوان دستاویزی برای اعمال صلاحیت استفاده می‌کنند.<sup>۲</sup>

اگرچه قانون‌گذاران برای پاسخ به این چالش در سطح جهانی، منطقه‌ای و داخلی مبادرت به قانون‌گذاری کرده‌اند، اما این اقدامات منجر به وضع نظام حقوقی جداگانه‌ای برای اعمال حقوقی در فضای مجازی نشده است. زیرا یافته‌های استقرایی در قوانین حاکم بر تجارت الکترونیک بیانگر این است که در زمینه قواعد ماهوی، اصول بی‌طرفی فنی و برابری کاربردی مبنای وضع قوانین ماهیتی حاکم بر قراردادهای الکترونیک قرار گرفته است، تا از این طریق شخص متوجه شود که تغییر عنصر متشکله قرارداد تغییری در رژیم حقوقی حاکم بر آن ایجاد نکرده است و قرارداد الکترونیک مشمول همان قوانین حاکم بر قراردادهای سنتی است. در زمینه قواعد تعارض قوانین نیز رویکرد جهانی و منطقه‌ای اعمال قواعد مرسوم در فضای مجازی است و از وضع عامل‌های ارتباط جداگانه برای تعیین قانون حاکم و صلاحیت قضایی در این فضا و ایجاد دو نظام حقوقی جداگانه صلاحیتی خودداری شده است. بنابراین همان قواعد تعارض قوانین مرسوم برای تعیین قانون ماهوی حاکم بر این نوع قراردادها اعمال می‌شود، لذا با مبنا قراردادن دو اصل برابری کاربردی و بی‌طرفی

→ <http://ecommerce.lebow.drexel.edu/eli/2003proceedings/docs/029glads.pdf> last visited 2016.

1. J.-G. Gastel, "The Internet in Light of Traditional Public and Private International Law Principles and Rules Applied in Canada", (2001) 39 Can. Y.B Int'l Law 3 at 42. (Accessable by google account)
2. London Meeting Draft "Achieving Legal and Business Order in Cyberspace" Report of the American Bar Association ("ABA") Jurisdiction in Cyberspace Project empanelled in 1998 under the title, "Transnational Issues in Cyberspace: A Project on the Law Relating to Jurisdiction."

فنی،<sup>۱</sup> رویکرد انطباق قواعد حقوقی موجود بر اعمال حقوقی واقع شده در فضای مجازی را اتخاذ کرده‌اند.<sup>۲</sup>

بنابراین چون کشورها رویکرد انطباق قواعد حقوقی موجود بر فضای مجازی را اتخاذ کرده‌اند، بررسی چالش‌های ناشی از انطباق قواعد صلاحیتی موجود بر فضای مجازی ضرورت دارد و هدف این مقاله نیز بررسی قابلیت انطباق قواعد صلاحیتی موجود بر اعمال حقوقی در فضای مجازی است.<sup>۳</sup> از طرفی چون مجموعه قواعد صلاحیتی متحدالشکلی برای اعمال حقوقی (قراردادهای الکترونیکی) در سطح بین‌المللی نداریم و به عبارتی تئوری بخشی‌گرایی هنوز بر حقوق بین‌الملل خصوصی حاکم است. باید از طریق بررسی مصدقی قوانین حاکم بر تعارض قوانین و صلاحیت کشورها و تحلیل استقرایی، مبانی مشترک قواعد حاکم بر صلاحیت و قانون حاکم را استخراج کنیم و کارکرد آن مبانی را در فضای مجازی بررسی کنیم. بنابراین روش تحقیق این است که از طریق تحلیل استقرایی در قوانین حاکم بر صلاحیت، دو عامل ذهنی و عینی به عنوان مبانی مشترک قواعد تعیین صلاحیت و تعیین قانون حاکم مفروض گردیده و قابلیت انطباق این دو مبنا بر فضای مجازی از حیث کارکرد از طریق پاسخ به پرسش‌های ذیل ارزیابی می‌گردد.

آیا عامل ذهنی تعیین قانون حاکم و دادگاه صالح (شرط گزینش قانون حاکم و دادگاه صالح) می‌تواند از طریق ارتباطات الکترونیکی محقق گردد و به عنوان مبنای صلاحیت در فضای مجازی اعمال شود و در صورت عدم وجود عامل ذهنی، آیا عوامل عینی ارتباطی مبتنی بر مکان در انطباق بر تعهدات قراردادی منعقد در فضای بی‌مکان با چالش خاصی مواجه است؟

## ۱. مبانی قواعد تعیین صلاحیت

بررسی مصدقی و تحلیل استقرایی در قوانین صلاحیتی بیانگر این است که قواعد صلاحیتی عمدتاً بر دو مبنا استوار است: عامل ذهنی (توافق طرفین راجع به صلاحیت

۱. برای بررسی بیشتر راجع به اصل برابری کاربردی، ر.ک: کنوانسیون استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی، ۲۰۰۵، متن تفسیری، ص. ۲۷.

۲. ر.ک: کنوانسیون موافقت‌نامه انتخاب دادگاه، ۲۰۰۵، بند (C) ماده ۳- کنوانسیون استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی، ۲۰۰۵، ماده ۹- دستور العمل تجارت الکترونیکی اتحادیه اروپا، ۲۰۰۰، ماده ۹- دستور العمل امضاء الکترونیکی اتحادیه اروپا، ۱۹۹۹، ماده ۵- قانون نمونه تجارت الکترونیکی ۱۹۹۶، ماده ۱۱- قانون متحدالشکل معاملات الکترونیکی، (یوتا) ۱۹۹۰، ماده ۷- قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲، ماده ۶.

۳. چالش‌های حقوق قراردادهای در فضای مجازی در مراحل چهارگانه: قبل از انعقاد قرارداد، مرحله انعقاد قرارداد، مرحله اجرای قرارداد، مرحله بعد از قرارداد وحل و فصل اختلافات قراردادی قابل بررسی است. البته، هدف این مقاله بررسی تمامی این مراحل نیست.

قضایی و قانون حاکم) که مصداقاً از طریق شرط گزینش قانون حاکم و دادگاه صالح یا موافقت‌نامه مستقل انتخاب دادگاه محقق می‌گردد، زیرا هر قراردادی باید متکی به یک قانون ملی یا بین‌المللی باشد تا بتوان آن را به عنوان معیاری برای سنجش صحت تشکیل و انجام تعهدات طرفین به کاربرد. به همین لحاظ طرفین قراردادهای تجاری بین‌المللی برای رفع این ابهامات، معمولاً مبادرت به درج شرط گزینش دادگاه (تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به اختلافات ناشی از قرارداد) و تعیین قانون داخلی یک کشور به عنوان قانون حاکم بر قرارداد می‌نمایند. در صورت پیش‌بینی چنین شرطی در قرارداد، موضوع تنفیذ یا عدم تنفیذ حاکمیت اراده طرفین در این خصوص مطرح می‌گردد که عمدتاً موضوع به بررسی، مرتبط یا مناسب بودن قانون تعیینی بر قرارداد و جواز یا عدم جواز انتخاب قانون غیر دولتی (حقوق بازرگانی فراملی) محدود می‌گردد.

چنانچه طرفین مرجعی را برای رسیدگی به اختلافات یا قانونی را برای حکومت بر قرارداد تعیین نکرده باشند، موضوع تعیین قانون حاکم یا تعیین صلاحیت از طریق عامل‌های ارتباط عینی مطرح می‌گردد. عوامل ارتباط برای تعیین قانون مناسب و اینکه این قرارداد شایسته تعلق به کدامین سیستم حقوقی ملی است، اعمال می‌گردد که در این صورت قانونی بر قرارداد حاکم است که نزدیک‌ترین ارتباط را با قرارداد دارد معیارهای تعیین نزدیک‌ترین ارتباط نیز عواملی مانند محل اقامت یا سکونت طرفی که اجراء تعهد شاخص به عهده اوست یا محل انعقاد عقد، مکان مذاکره طرفین، مکان اجراء، محل وقوع موضوع قرارداد و تابعیت طرفین است که عمدتاً مبتنی بر یک عامل فیزیکی ملموس است. مبنای تمامی این عوامل ارتباط عینی اصل تقرب مکانی<sup>۱</sup> است که مصداقاً از طریق عوامل ارتباطی عینی محقق می‌گردد. نقطه تلاقی فضای مجازی با فضای مادی جهت تعیین صلاحیت نیز در صورت عدم وجود عامل ذهنی یا عدم اعتبار بخشی به آن از طریق این عوامل ارتباطی عینی احراز می‌گردد.

## ۲. عامل ذهنی

یکی از مبانی صلاحیت، قصد طرفین عمل حقوقی است یعنی طرفین قرارداد می‌توانند از طریق درج شرط گزینش دادگاه و قانون حاکم در قرارداد، قانون خاصی را بر قرارداد حاکم یا دادگاه خاصی را برای رسیدگی به اختلافات احتمالی تعیین کنند،

۱. اصل تقرب مکانی معادل اصطلاح *physical approximation* و به معنی این است که دادگاهی صالح به رسیدگی به دعاوی است و همچنین قانونی بر ماهیت آن دعوی حاکم است که نزدیک‌ترین ارتباط مکانی با عمل یا واقعه حقوقی رادارد.

در این صورت عنصر اساسی تعیین صلاحیت، قصد و نیت طرفین است که به عنوان یک عامل ذهنی مبنای احراز صلاحیت قرار می‌گیرد. در اکثر نظام‌های حقوقی عامل ذهنی به عنوان مبنای قاعده صلاحیتی جهت تعیین قانون حاکم و دادگاه صالح پذیرفته شده است و طرفین قرارداد اعم از الکترونیکی و کاغذی حق دارند هنگام عقد قرارداد یا بعد از آن توافق کنند که قانون خاصی بر قرارداد آنها حاکم باشد و در صورت بروز اختلاف معیاری برای تعیین حیطه تعهدات طرفین باشد. اصولاً حاکمیت اراده طرفین در این خصوص واجد اعتبار حقوقی است، مگر اینکه قانون انتخابی فاقد رابطه اساسی با طرفین یا معامله باشد یا اجرای قانون منتخب طرفین مغایر قواعد آمره و نظم عمومی باشد.<sup>۱</sup>

بنابراین کشورها، اختیار طرفین در تعیین قانون حاکم را به عنوان قاعده می‌پذیرند و اجازه می‌دهند که طرفین متعاقد، قانون حاکم بر حل و فصل اختلافات قراردادی خود را انتخاب کنند، اعم از اینکه این انتخاب صریحاً بیان شده باشد یا از طریق اصطلاحات قرارداد یا اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد، به طور ضمنی احراز شود. ولی سؤال اصلی این است که آیا شرط گزینش از طریق ارتباطات الکترونیکی قابل تحقق است یا خیر. به عبارت دیگر حاکمیت اراده طرفین و بیان آن از طریق ارتباطات الکترونیکی نفوذ حقوقی دارد و آیا انطباق عامل ذهنی بر قواعد صلاحیتی در فضای مجازی با مشکل خاصی مواجه می‌گردد؟ این پرسش در راستای مباحث مربوط به اعتبار تشکیل قرارداد از طریق ارتباطات الکترونیکی مورد بحث قرار می‌گیرد، زیرا خود یک شرط قراردادی است.<sup>۲</sup> معهداً از مجموعه کنوانسیون‌ها اعم از جهانی و منطقه‌ای حاکم بر قراردادهای الکترونیکی می‌توان استنباط کرد که قرارداد الکترونیکی فاقد شکل خاصی است و اصول برابری کاربردی و بی‌طرفی فنی مانع از تبعیض شرایط شکلی مشترک نظیر نوشته و امضاء بین قراردادهای الکترونیکی و کاغذی شده است، لذا عامل ذهنی صلاحیتی از طریق ارتباطات الکترونیکی قابلیت تحقق دارد. به همین دلیل اکثر شرکت‌هایی که در محیط الکترونیکی مبادرت به تجارت می‌نمایند، در وبسایت‌های خود یا در قراردادهای الکترونیکی منعقد ماده‌ای را به شرط گزینش قانون حاکم اختصاص می‌دهند و از طریق آن شرط، قانون ماهیتی حاکم بر قرارداد را تعیین می‌کنند. بنابر این عامل ذهنی تعیین صلاحیت از حیث کارکرد در فضای

۱. برای بررسی محدودیت‌های اصل حاکمیت اراده طرفین قرارداد. رک: «محدودیت‌های اعمال قانون خارجی در تعارض قوانین»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۴، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۳.

۲. برای مطالعه امکان تشکیل قرارداد از طریق ارتباطات الکترونیکی، ر. ک: السان، مصطفی، «ایجاب و قبول معاملات الکترونیکی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳، ۱۳۸۵.



مجازی با مشکل خاصی مواجه نیست. بر همین اساس استفاده از عامل ذهنی برای تعیین قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیکی مورد تأکید کنوانسیون‌های بین‌المللی قرار گرفته است.<sup>۱</sup> علاوه بر تعیین قانون حاکم طرفین حق دارند که دادگاه خاصی را برای رسیدگی به اختلافات قراردادیشان تعیین کنند. این شرط به شرط گزینش دادگاه مشهور است.<sup>۲</sup> چون انعقاد قرارداد به صورت الکترونیکی، جز قراردادهای مرتبط با نظم عمومی، تجویز شده است و در صورتی که منجر به یک سابقه دائم برای مراجعات بعدی شود، در حکم یک قرارداد کتبی محسوب می‌گردد. این قاعده مشمول قراردادهای الکترونیکی متضمن شرط گزینش دادگاه نیز می‌شود، زیرا امروزه انعقاد الکترونیکی موافقت‌نامه شرط گزینش دادگاه معتبر شناخته شده است و مانعی در جهت اعتباربخشی به آن وجود ندارد. مشروط به اینکه وسیله الکترونیکی که برای انعقاد موافقت‌نامه شرط گزینش دادگاه به کار می‌رود، قادر به ایجاد یک سابقه پایدار از آن برای مراجعات بعدی باشد.<sup>۳</sup> بر این اساس اکثر موافقت‌نامه‌های شرط گزینش دادگاه که به صورت الکترونیکی منعقد و ذخیره می‌شوند، شرط «کتبی بودن» را دارا هستند. ولی برخی ارتباطات الکترونیکی ناپایدار نظیر اتاق گفتگو و تلفن‌های اینترنتی که بر روی حافظه موقت کامپیوتر ذخیره می‌شوند، معادل اسناد کتبی قرار نمی‌گیرند.<sup>۴</sup> کنوانسیون راجع به موافقت‌نامه انتخاب دادگاه مصوب ۲۰۰۵ نیز با پیروی از رویه کشورها و همچنین اصل برابری کاربردی قانون نمونه،<sup>۵</sup> شرط گزینش دادگاه به صورت کتبی یا الکترونیکی مشروط به وجود یک سابقه پایدار از آن را معتبر می‌شناسد.<sup>۶</sup> مشروط به اینکه یا به صورت نوشته باشد یا بر روی یک واسطه بادوام که امکان مراجعات بعدی به آن وجود داشته باشد، ذخیره شده باشد.<sup>۷</sup> بنابراین درج شرط گزینش دادگاه در

۱. کنوانسیون استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی، ۲۰۰۵، مقدمه.

۲. خلیلیان، خلیل، دعاوی حقوقی ایران و آمریکا مطرح در دیوان داوری لاهه، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲، ص. ۸۰.  
۳. منظور از سابقه پایدار هر شکلی از سوابق الکترونیکی است نظیر نوار، دیسک سخت، فلاپی دیسک و غیره است که امکان مراجعه بعدی به سابقه الکترونیکی را فراهم کند. [قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲، بند ق ماده ۲].

۴. قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲، بند ق ماده ۲.

۵. منظور از اصل برابری کاربردی (Functional Equivalence) وضع قواعد تسهیلی مبنی بر شناسایی تجارت بر خط همانند تجارت سنتی و اعتبار بخشی و اثر بخشی به آن مبتنی بر وضع قوانینی حاکی از شمول قواعد موجود بر تجارت بر خط است که اصطلاحاً روش «برابری کاربردی» نامیده می‌شود. برای بررسی بیشتر ر. ک. به مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون استفاده از نشانه‌های الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی (متن تفسیری)، ۲۰۰۵، ص. ۲۷.

۶. کنوانسیون موافقت‌نامه انتخاب دادگاه، پیشین، بند (C) ماده ۳.

۷. این رویکرد منطبق با اصول مندرج در قانون نمونه انسیترال راجع به تجارت الکترونیک است، زیرا از نظر قانون نمونه شرط کتبی بودن از طریق درج یک داده پیام بر روی یک واسطه با دوام قابل تحقق است. ر. ک. قانون نمونه تجارت الکترونیکی، ۱۹۹۶، ماده ۶ — قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲، ماده ۲، بند ق.

قراردادهای الکترونیکی به شکل فوق شرایط شکلی لازم برای اعتبار حقوقی آن را ایفاء می‌کند. بر این اساس رویکرد قانون‌گذاری و رویه قضایی اصولاً بیانگر اعتبار قراردادهای راجع به شرط گزینش دادگاه به شکل الکترونیکی است، اعم از اینکه به صورت موافقت‌نامه مستقل منعقد گردند یا به عنوان یکی از شروط، ضمن عقد الکترونیکی درج گردد. معهداً ممکن است با توسل به اصول حاکم بر قراردادها نظیر یک‌جانبه بودن، مخالفت با نظم عمومی یا عدم احراز قصد التزام به شرط، بی‌اعتبار شناخته شود. یعنی رویکرد رویه قضایی در برخورد با شرط گزینش دادگاه به شکل الکترونیکی رویکردی موضوعی است و هر شرط باید مستقلاً در چارچوب قواعد ماهوی حقوق قراردادهای که از طریق اعمال قواعد تعارض قوانین مشخص می‌گردد، اعتبارسنجی شود. بنابراین برای تعیین اعتبار آن از لحاظ ماهوی باید تلفیقی از اصول و قواعد حاکم بر حقوق قراردادهای و قواعد آمره حمایتی را اعمال کرد که عمدتاً تحت عنوان ضرورت ارتباط دادگاه منتخب با دعوی، عدم مغایرت شرط با قواعد آمره و لزوم تعادل قدرت چانه‌زنی طرفین قرارداد مطرح می‌شود. همچنین اگر یکی از طرفین قرارداد مصرف‌کننده باشد، صرفاً پس از ایجاد اختلاف می‌توان مبادرت به تعیین شرط گزینش دادگاه در قرارداد کرد و هرگونه توافق منعقد شده قبل از اختلاف بی‌اعتبار است و نمی‌توان از این صلاحیت حمایتی به صورت قراردادی عدول کرد.<sup>۱</sup> نتیجتاً می‌توان گفت انطباق عامل ذهنی صلاحیتی از طریق ارتباطات الکترونیکی قابلیت تحقق دارد و انطباق آن بر فضای مجازی با چالش خاصی مواجه نیست.

### ۳. عامل عینی

چنانچه قرارداد فاقد شرط گزینش قانون حاکم و دادگاه باشد یا یکی از طرفین قرارداد مصرف‌کننده باشد یا شرط گزینش به دلایلی فاقد اثر حقوقی شناخته شود، نوبت به تعیین قانون حاکم بر مبنای عوامل عینی می‌رسد. بنابراین در غیاب هرگونه شرط صریح یا ضمنی انتخاب قانون، دادگاه‌ها برای اعمال اصل تقرب مکانی مبادرت به تعیین قانون حاکم از طریق تعیین و تشخیص نظام حقوقی که نزدیکترین و واقعی‌ترین رابطه را با قرارداد دارد، می‌کنند.<sup>۲</sup> برای اعمال اصل تقرب مکانی، باید عوامل عینی متعددی نظیر زبان قرارداد، واحد پول مندرج در قرارداد، محل وقوع موضوع قرارداد، اشاره به مقررات قانونی یا اصطلاحات حقوقی یک کشور در قرارداد

۱. قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲، مواد ۴۶-۴۵ آیین‌نامه بروکسل ۲۰۰۱، ماده ۱۷.

۲. ایرانیپور، فرهاد، «نگاهی اجمالی به اصل حاکمیت اراده در حیطه انتخاب قانون حاکم بر تعهدات ناشی از قراردادهای تجاری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۵، ۱۳۸۱، ص. ۲۸.

اقامتگاه فروشنده یا ارائه‌کننده خدمت، اقامتگاه مصرف‌کننده، محل وقوع مال غیرمنقول، محل انعقاد عقد، محل اجرای قرارداد مورد بررسی قرار گیرد تا بر اساس آنها قانون کشوری که نزدیکترین ارتباط با قرارداد را دارد برای حکومت بر قرارداد تعیین گردد. ولی تشخیص و تعیین بسیاری از این عوامل در محیط الکترونیکی با مشکل و ابهام مواجه است یا در صورت تشخیص نیز منجر به نتیجه مطلوب نمی‌گردد. چون اکثر عوامل ارتباطی فوق بر مبنای عنصر مادی مکان متکی هستند و فضای مجازی منجر به کم‌رنگ شدن این عوامل ارتباطی گردیده است، لذا اعمال قواعد تعارض قوانین مبتنی بر این عوامل ارتباط عینی که پیش فرض آنها وجود یک مکان فیزیکی است بر فضای مجازی که عامل مکان در آن نقش بسیار کم‌رنگی دارد. مواجه با اشکالات و ابهاماتی است.

قوانین حاکم بر قانون‌گذاری قراردادهای الکترونیکی نظیر قانون نمونه تجارت الکترونیکی، قانون تجارت الکترونیکی و کنوانسیون استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی قواعد تعارض قوانین مبتنی بر عوامل ارتباط عینی برای تعیین قانون ماهوی حاکم قراردادهای الکترونیکی پذیرفته است ولی چون آن قواعد بر مبنای اصل تقرب فیزیکی بین قانون حاکم و قرارداد وضع گردیده و مبنای احراز این تقرب نیز عوامل ارتباطی مبتنی بر مکان فیزیکی است، اعمال این عوامل ارتباطی در فضای مجازی برای احراز اصل تقرب و نتیجتاً تعیین قانون حاکم به لحاظ تفاوت ماهوی بین فضای مادی و مجازی (عدم وجود مکان در فضای مجازی) با مشکلاتی مواجه است لذا برای حل این مشکل بازتعریف عوامل ارتباطی تعیین قانون حاکم نظیر اقامتگاه، محل تجارت در فضای مجازی و به تبع آن نوسازی قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی ضرورت دارد. بر این اساس با بازتعریف این عوامل ارتباطی عینی تعیین صلاحیت؛ نظیر «مکان تجارت»<sup>۱</sup> «نزدیک‌ترین رابطه با قرارداد»<sup>۲</sup> «اقامتگاه دائم» انطباق آنها بر فضای مجازی جهت تعیین صلاحیت تسهیل شده است.<sup>۳</sup> در زمینه صلاحیت قضایی بر اعمال حقوقی در فضای مجازی نیز چون قوانین صلاحیتی متحدالشکل یا جداگانه‌ای وجود ندارد. قواعد حل تعارض داخلی کشورها مبنای قرار می‌گیرد. هر چند در مواردی نیز دولت‌ها مبادرت به انعقاد توافق‌نامه‌هایی راجع به

۱. قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲، بند ح ماده ۴.

۲. قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲، بند ۲ ماده ۶.

۳. برای مطالعه نقش اقامتگاه در تعیین صلاحیت قضایی و قانونی، رک: سلجوقی، محمود، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ سوم، میزان، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۳.

تعیین مجموعه قواعد صلاحیتی برای موضوع یا موضوعاتی کرده‌اند ولی این قواعد متحدالشکل نیز بخشی از حقوق بین‌الملل خصوصی آن کشورها محسوب می‌گردد.<sup>۱</sup> مبنای مشترک تمامی این قواعد موضوعه نیز اصل تقرب فیزیکی<sup>۲</sup> یا اصل حمایتی است که مصداقاً در قالب صلاحیت عام،<sup>۳</sup> صلاحیت خاص<sup>۴</sup> و صلاحیت تخصیصی<sup>۵</sup> قرار می‌گیرد،<sup>۶</sup> مبنای اساسی احراز صلاحیت قضایی عام یا خاص نیز اصل تقرب فیزیکی است. بر مبنای این اصل هر دادگاهی که به مکان واقعه حقوقی یا عمل حقوقی نزدیک‌تر است، بر اختلافات ناشی از آن واقعه یا عمل حقوقی صلاحیت دارد. احراز این تقرب از طریق عوامل ارتباطی عینی از جمله عامل ارتباط حضور در حوزه قضایی یا مصادیق حضور نظیر انعقاد قرارداد با سکنه حوزه قضایی، بهره‌مندی از منافع قانونی یا مادی حوزه قضایی، هدایت تجارت به سوی حوزه قضایی و تأثیر بر حوزه قضایی امکان‌پذیر است و بر اساس این عوامل ارتباطی می‌توان آن عمل یا واقعه را به دادگاه کشور خاصی مرتبط دانست. ولی چون مبنای تمامی این عوامل ارتباطی عینی، مکان جغرافیایی طرفین عمل یا واقعه حقوقی مربوطه است، انطباق یا احراز آن در فضای مجازی با چالش‌هایی مواجه است، زیرا ماهیت فضای مجازی، بی‌مکانی است و یافتن نقطه اتکای مکانی مشکل است.

از طرفی حقوق بین‌الملل اختیار کشورها برای اعمال صلاحیت بر وقایع و اعمال حقوقی را محدود می‌کند و آنان را ملزم می‌کند که اعمال صلاحیت قضایی خود را بر مبنای معقولی استوار نمایند تا در عرصه بین‌المللی مشروعیت داشته باشد. یعنی باید یک رابطه حقیقی بین واقعه یا عمل حقوقی با کشور متبوع دادگاه احراز شود و این امر نیز از طریق اتکا به یک عامل عینی ممکن است بنابراین لازمه اعمال صلاحیت معقول بر یک رابطه حقوقی احراز حداقل یک عامل ارتباطی عینی است. از طرف دیگر چون تشخیص اصل تقرب فیزیکی منوط به اتکا آن به یک مکان مادی است، انطباق آن بر فضای مجازی بی‌مکان مشکل است. یعنی مبنای اعمال صلاحیت در فضای مجازی احراز نقطه تلاقی فضای مجازی با دنیای واقعی است. لذا برای تعیین

۱. آیین‌نامه بروکسل اول ۲۰۰۱، کنوانسیون رم ۱۹۸۰، کنوانسیون رم اول ۲۰۰۸، موافقت‌نامه انتخاب دادگاه ۲۰۰۵.

2. Physical approximation
3. General jurisdiction
4. Special jurisdiction
5. Specific jurisdiction

۶. برای بررسی بیشتر در این خصوص، ر.ک:

- Faye, Fangfei Wang, *Internet Jurisdiction and Choice of Law: Legal Practices in the EU, US and China*, Cambridge University Press, 2009

---

صلاحیت از طریق عوامل ارتباطی عینی تعیین صلاحیت باید عواملی را مبنا قرار داد که هم نقطه تلاقی فضای مجازی و فضای مادی محسوب گردد و هم واجد معیار معقولیت باشد تا منجر به تعارض صلاحیت‌ها نشود.

## نتیجه‌گیری

اگرچه فناوری‌های اطلاعاتی منجر به چالش‌های متعددی در قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی (تعارض قوانین و صلاحیت) شده است ولی منجر به وضع رژیم حقوقی جداگانه‌ای برای قراردادهای الکترونیکی در فضای مجازی نشده است، رویکرد کشورها انطباق قواعد صلاحیتی موجود بر اعمال حقوقی منعقد در فضای مجازی است.

در انطباق قوانین صلاحیتی موجود بر اعمال حقوقی منعقد در فضای مجازی قوانین صلاحیتی که بر مبنای اعتبار بخشی به عامل ذهنی تعیین صلاحیت وضع گردیده‌اند با چالش خاصی مواجه نیستند، ولی قوانین صلاحیتی مبتنی بر عامل عینی به لحاظ ابتدای آنها بر اصل تقرب مکانی و عدم وجود مکان در فضای مجازی با چالش مواجه هستند. بر همین اساس، بازتعریف آنها برای انطباق بر اعمال حقوقی منعقد در فضای مجازی ضرورت دارد. علاوه بر این چون مجموعه قوانین صلاحیتی متحدالشکلی برای تعیین صلاحیت بر اعمال حقوقی منعقد در فضای مجازی وضع نشده و اعمال قوانین صلاحیتی مبتنی بر عامل عینی نیز با چالش‌هایی مواجه است، در وضعیت حاضر راهکار مفیدی برای جلوگیری از عدم شفافیت موضوعات صلاحیتی حاکم بر قرارداد الکترونیکی است؛ زیرا اتکا بر قواعد صلاحیتی مبتنی بر عامل ذهنی در صورت عدم اتکا به آن یا عدم اعتبار بخشی آن موضوعات صلاحیتی قرارداد تابع قواعد مبهم و مختلف حل تعارض داخلی دولت‌ها قرار می‌گیرد و تعارضات صلاحیتی افزایش می‌یابد، ولی چون ممکن است دادگاه‌ها به دلایل ماهوی، شکلی، شخصی و موضوعی عامل ذهنی را مبنای احراز صلاحیت قرار ندهند. اتکا صرف به عامل ذهنی اما نمی‌تواند رافع مطلق چالش‌های صلاحیتی در تجارت الکترونیک باشد.

بر این اساس علاوه بر اینکه باید اصل را بر احراز صلاحیت در فضای مجازی بر عامل ذهنی قرارداد، ولی چنانچه به دلایلی عامل ذهنی به عنوان مبنای احراز صلاحیت قرار نگیرد باید از عوامل عینی برای احراز صلاحیت قضایی یا قانون حاکم استفاده کرد که واجد یک رابطه و ارتباط حقیقی با دادگاه یا قانون مربوطه باشد به گونه‌ای که بتواند هم معیارهای اعمال صلاحیت بر مبنای معقول را داشته باشد و هم منجر به تعارض مثبت یا منفی صلاحیت‌ها نگردد.

## منابع

- آهني، بتول، «انعقاد قراردادهای الكترونيكي»، ندای صادق، فصلنامه فقه و حقوق اسلامي دانشگاه امام صادق (ع)، واحد خواهران، سال نهم، شماره ۳۵-۳۴، تابستان و پاييز ۱۳۸۳.
- السان، مصطفي، «ايجاب و قبول معاملات الكترونيكي»، مجله تحقيقات حقوقي، شماره ۴۳، ۱۳۸۵.
- \_\_\_\_\_، «تشكيل قراردادهای الكترونيكي»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگاني، شماره ۳۶، ۱۳۸۴.
- ايرانيپور، فرهاد، «نگاهي اجمالي به اصل حاکميت اراده در حيطه انتخاب قانون حاکم بر تعهدات ناشي از قراردادهای تجاري»، مجله دانشکده حقوق و علوم سياسي دانشگاه تهران، شماره ۵۵، ۱۳۸۱.
- باقري، محمود؛ نوشادي، ابراهيم، «چالش‌های صلاحيتي اعمال تجاري در فضای مجازي»، فصلنامه برنامه و بودجه، شماره ۱۱۲، بهار ۱۳۹۰.
- بختياروند، مصطفي، «صلاحيت محاکم در قراردادهای الكترونيك مصرف‌کننده»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سياسي دانشگاه تهران، شماره ۱۵، پاييز ۱۳۸۹.
- بناء نياسري، ماشاءاله، «تشكيل قرارداد در فضای ساير»، مجله پژوهش‌های حقوق شهر دانش، سال پنجم، شماره ۹، ۱۳۸۵.
- اسمندينگاف، توماس جي، «قواعد ضروري جهت اعتبار تعاملات الكترونيكي در عرصه جهاني»، ترجمه مصطفي بختياروند، مجله حقوقي بين‌المللي، شماره ۳۸، ۱۳۸۷.
- هيل، جنيفر، «آينده قراردادهای الكترونيكي در عرصه بين‌الملل: خلأها و گريزهای ذاتي کنوانسيون سازمان ملل متحد راجع به بيع بين‌المللي کالا»، ترجمه مصطفي السان و زينب كنعاني، مجله حقوقي مركز امور حقوقي بين‌المللي رياست جمهوري، شماره ۳۵، ۱۳۸۵.
- حجت‌زاده، عليرضا؛ نوشادي، ابراهيم، «قانون حاکم بر قراردادهای الكترونيكي بين‌المللي»، مجله حقوقي بين‌المللي، شماره ۴۴، ۱۳۹۰.
- خليليان، خليل، دعاوي حقوقي ايران و آمريكا مطرح در ديوان داوري لاهه، شركت سهامي انتشار، ۱۳۸۲.
- سلجوقي، محمود، بايسته‌های حقوق بين‌الملل خصوصي، چاپ سوم، ميزان، ۱۳۸۵.
- ركودو، سيلويا، «رويکرد نظام حقوقي ايالات متحده آمريكا و اروپا به تشكيل قراردادهای الكترونيكي»، ترجمه ابراهيم نوشادي، ويژه‌نامه مجله حقوقي بين‌المللي، ۱۳۸۹.
- كاويار، حسين؛ مافي، همايون، «بررسي تطبيقي قانون حاکم بر قراردادهای الكترونيكي منعقد در محيط اينترنت از منظر نظام‌های حقوقي آمريكا، اتحاديه اروپا و ايران»، آموزه‌های فقه مدني، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۶.

- هولتمارک رامبرگ، کریستینا، «دستورالعمل تجارت الکترونیکی و تشکیل قرارداد در چشم‌اندازی تطبیقی»، ترجمه مصطفی‌السان، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۰، ۱۳۸۵.
- نوری، سید مسعود، «اصول حقوقی تجارت الکترونیک با تأکید بر قانون تجارت الکترونیک ایران»، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۴۴، ۱۳۸۴.
- نیکبخت، حمیدرضا، «مسائل مطرح در قانون حاکم بر قرارداد»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹، ۱۳۸۳.
- \_\_\_\_\_، «محدودیت‌های اعمال قانون خارجی در تعارض قوانین»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۴، ۱۳۸۵.
- \_\_\_\_\_، «ماده ۹۶۸ قانون مدنی و ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۲-۳۱، ۱۳۷۹.
- \_\_\_\_\_، «چگونگی تعیین قانون حاکم بر تعهدات قراردادی»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۲-۲۱، ۱۳۷۶.
- Faye, Fangfei Wang, *Internet Jurisdiction and Choice of Law: Legal Practices in the EU, US and China*, Cambridge University Press, 2009.
- Folsom, Thomas, "Defining Cyberspace (Finding Real Virtue in the Place of Virtual Reality)", *Tulane Journal of Technology & Intellectual Property*, Vol. 9, 2007.